

باب وودوارد

مرد مرموز

ماجرای واترگیت

با تحلیل

کارل برنشتاین

ترجمه: عباسقلی غفاری فرد



مؤسسه انتشارات نگاه

«تأسیس ۱۳۵۲»

پیشگفتار مترجم

رسوایی واترگیت برای افکار عمومی ایالات متحده آمریکا، و جایگاه آن در عرصه سیاسی جهان، رویدادی شگرف به شمار می‌رود. در این پیشامد، گماشتگانی به درون هتل واترگیت در مجتمع واترگیت رخنه کردند و برای شنود گفتگوها، میکروفن‌های مخفی کار گذاشتند و اسناد و مدارکی را به سرقت بردند. این رویداد در روند انتخابات ریاست جمهوری، در سال ۱۹۷۲ و آغاز انتخاب ریچارد نیکسون برای دوره دوم ریاست جمهوری انجام گرفت. باب وودوارد، چنان‌که در متن همین کتاب نوشته، اتفاقی و از طریق مارک فلت، مرد شماره ۲ اف‌بی‌آی، به این قانون‌شکنی پی برد و همراه کارل برنشتاین، همکار روزنامه‌نگار خود و به کمک روزنامه واشنگتن پست، و با اطلاعاتی که از مارک فلت دریافت می‌کرد، رویداد واترگیت را آشکار ساخت. نام مارک فلت، ۳۳ سال پنهان ماند و او را تنها با نام ساختگی گلوگشاد می‌شناختند. دیوان عالی قضایی فدرال به بررسی رویداد پرداخت و ریچارد نیکسون ناچار از کناره‌گیری شد. ریچارد نیکسون به سیا دستور داده بود که نگذارد مأموران اف‌بی‌آی

موضوع واترگیت را پیگیری کنند. پس از کناره‌گیری نیکسون و تحویل نوارهای کاست ضبط شده از طریق میکروفن‌های مخفی، این مورد ثابت شد. سرقت اسناد و مدارک از اف‌بی‌آی بسیار مهم بود و به آوازه آن سازمان آسیب زیادی زد.

ایالات متحده آمریکا خود را گهواره دموکراسی جهان می‌داند. از آنجا که ممکن است دستیابی ایالات متحده آمریکا به آزادی و دموکراسی تنها در راستای هوشمندی و توانایی مردم آن سرزمین برآورد شود، و بسترهای بایا برای شکوفایی اندیشه و آزادی نادیده انگاشته شوند، یادآوری این نکته مهم است که روند نامبرده، در درازای ۲۵۰ سال از آغاز موجودیت کشور مستقل ایالات متحده آمریکا شکل گرفته و این سال‌های اندک، در برابر سال‌های عمر کشورهای دارای فرهنگ و تمدن، مانند ایران؛ هند؛ چین؛ مصر؛ و تمدن‌های باستانی میان رودان (سومر؛ بابل؛ آشور؛ اکد)، بسیار ناچیز است. مردم ایالات متحده آمریکا از دیدگاه ساختار ذهنی و اندیشه بر دیگر مردم جهان برتری ویژه‌ای ندارند؛ به سخن دیگر، پیشرفت آنها در زمینه‌های گوناگون سیاسی؛ فرهنگی؛ اجتماعی؛ اقتصادی؛ نظامی؛ و... تنها برآمده از جوهر آنها نیست، بلکه موارد عرضی هم بسیار اهمیت داشته است. چنان که در پشت ظاهر خندان و شسته و رفته دولت‌مردان آمریکا، گاهی چهره بسیار خشن و بد دهن دیده می‌شود که با ظاهر فرهنگ و تمدن نامبرده سازگار نیست. به باور نگارنده، بهترین تجزیه و تحلیل در بررسی این ساختار و به عنوان دیباچه‌ای برای کتاب حاضر، گزارشی، هرچند کوتاه از چگونگی زایش و برآمدن و پرآوازه شدن ایالات متحده آمریکا، می‌تواند سودمند باشد.

ایالات متحده آمریکا بخشی از قاره بزرگ آمریکا است. در شمال ایالات متحده، کشور کانادا قرار دارد؛ در جنوب آن کشورهای آمریکای مرکزی

جای دارد؛ و در جنوب این کشورها، سرزمین‌های آمریکای جنوبی واقع است. آمریکای مرکزی و آمریکای جنوبی را با هم، آمریکای لاتین می‌نامند و این نامگذاری به دلیل دستیابی مردم لاتین زبان اسپانیا بر آن سرزمین و گویش کنونی شهروندان آمریکای لاتین به زبان لاتین است.

پیدایش قاره آمریکا به سال‌های پایانی سده پانزدهم برمی‌گردد، اما دریانوردان بی‌باک وایکینگ پیش از آن، به‌سوی دنیای ناشناخته کشتی‌رانی کرده بودند. در حدود ۹۸۵ میلادی، گروهی از وایکینگ‌ها به فرماندهی **بجارنی هرچلفسن**^۱، از ایسلند به سوی گرینلند کشتی‌رانی کردند و در سواحل کنونی کانادا پیاده شدند. نزدیک پانزده سال بعد، لیف اریکسن^۲ از گرینلند به کشتی‌رانی پرداخت تا اکتشافات هرچلفسن را پی بگیرد. این وایکینگ‌ها شمال کانادا را پیدا کرده بودند. اما اروپایی‌ها متوجه این رویداد نشدند تا این‌که نوبت به کریستف کلمب^۳ دریانورد ایتالیایی رسید، او در ۳ اوت ۱۴۹۲، از سوی ایزابل ملکه اسپانیا، به قصد پیدا کردن راهی به شرق دور از طریق کشتیرانی به‌طرف غرب، به راه افتاد. او با سه کشتی سفر خود را آغاز کرد و در ۱۲ اکتبر، حدود ۶۸ روز بعد به خشکی رسید و پرچم اسپانیا را در جایی برافراشت

۱. نگارنده، نوشته‌های خود را با ترجمه‌ای آزاد از کتابی با عنوان *Asking About The U.S.A and Its Neighbours*، گزارش خواهد کرد که کتاب درسی دبیرستان‌های ایالات متحده است و در سال ۱۹۷۱م از سوی **American Book Company** منتشر شده. ا. ال. دیویس کوچک **O. L. Davis, Jr**، و فرانسیس ا. بلوگ **Francis A. Blough**، از نویسندگان اصلی این کتاب هستند. از این به بعد، هرگاه که نیاز به ارجاع صفحات کتاب مذکور باشد، با عنوان «ک. د» یعنی کتاب درسی، گزارش خواهد شد.

2. Bjarni Herjolfsson

3. Leif Ericson

۴. Christopher Columbus کریستوفر کلمبوس